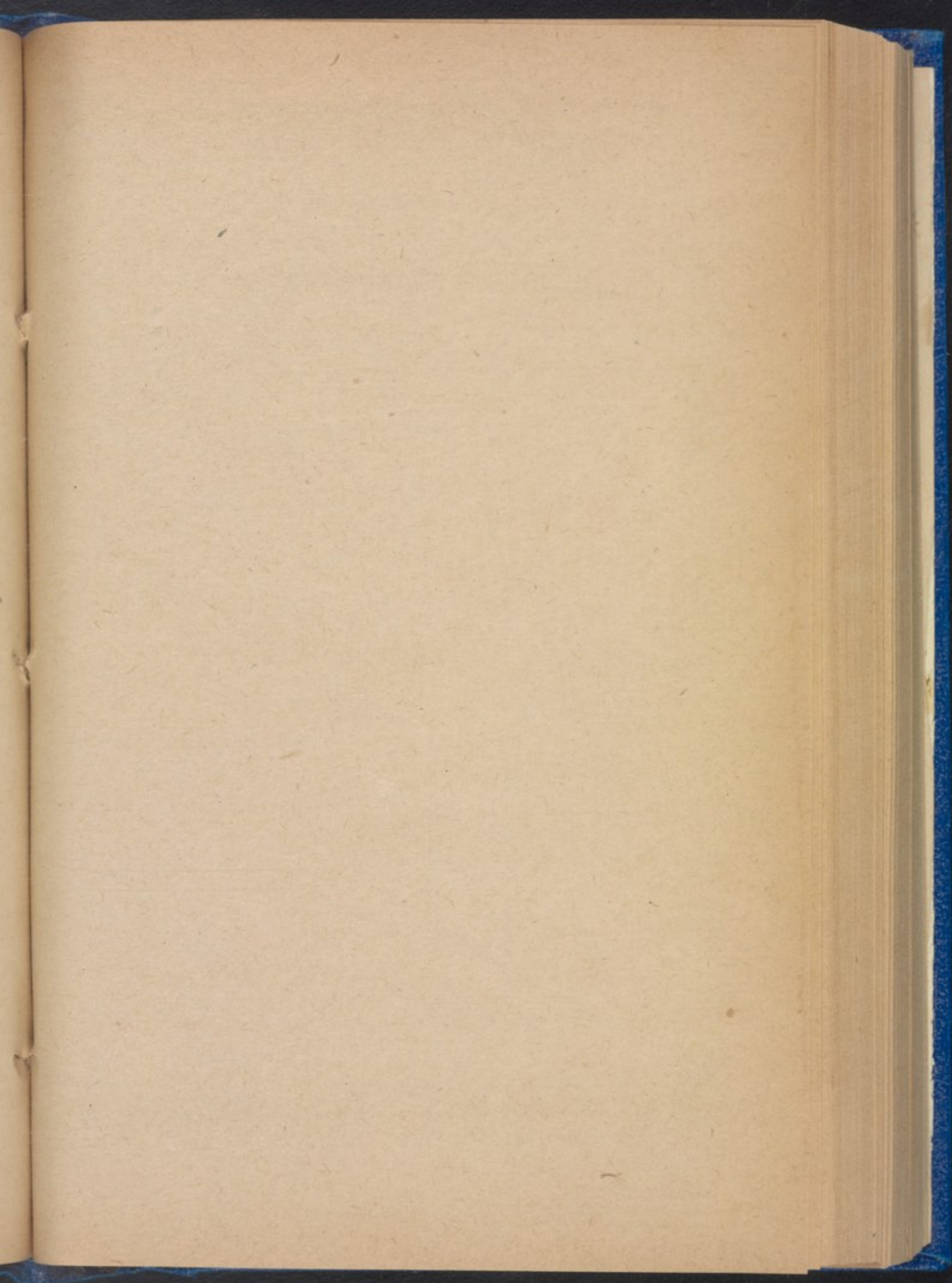
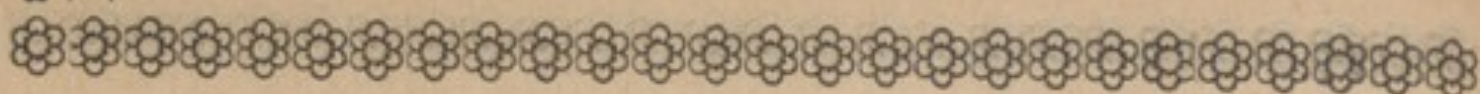






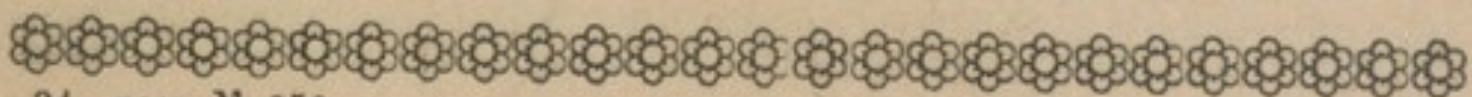
یک‌و سخن در باره قسم سوم

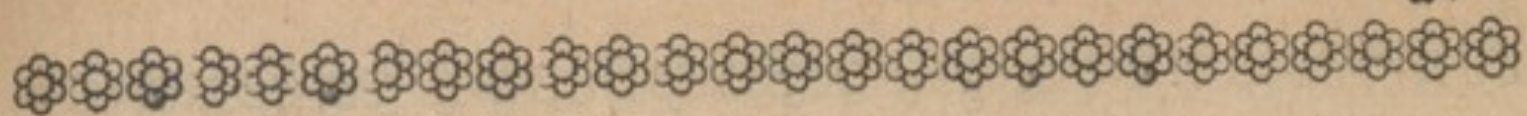
قسم سوم این مجموعه (چنانچه ازین پیش وعده کرده شد) مشتمل بر نمونه ادبیات نو تاجیک خواهد شد. این قسم ادبیاتی را که مادر صد نقلش هستیم «نو» گفتن، نسبت بادیات کهنه صرف است. و گرنه، اسلوب، طرز بیان، افاده افکار کردن در ضمن قصیده، غزل، قطعه رباعی و امثالش، و رعایه وزن و قافیه بروجه اکمل، مبالغه، تشبیهات و صنایع لفظیه عینا بطرز کهنه است. (الانادر) تنها موضوع فی الجمله تازه است.

این معروضات، نسبت بمنظومات است. اما در قسم مثنویات، خیلی پارچه های حقیقه «نو» را مطالعه خواهیم کردن.

هر چند احمد مخدوم دانش (۱۲۴۲ - ۱۳۱۴ هجری) در باب ادبیات منثوره خیلی راه نو و اسلوب تازه را بالهام دها و استعداد فطری خود ایجاد کرده، لیکن این روش تا ۱۹۰۵ میلادی یعنی، تا انقلاب نخستین روسیه شایع نشده بود. وقتیکه انقلاب مذکور بوقوع آمده آمدش در روزنامه جات و کتابهای تازه در بخارا و تورکستان عمومیت گرفت، صاحب قلمان تازه نویس هم جا، جاسر بر آوردند. بنابراین ما، سر تاریخ ادبیات نو تاجیک را ۱۹۰۵ قرار دادیم.

از ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ موضوع ادبی باعتبار عمومیت: وطن، ملت، دین، علم و معارف بوده. تشویق بمقابل حکومت مستبده ضمننا، هچلو بعلماء صراحتا از موضوعهای مهمه این دوره بشمار میرفت.





اما ادبیات (باعتبار موضوع) انقلابی حقیقی، بعد از انقلاب اوکتابر،
قدم بمیدان نهاد.

بنابرین ما این قسم را بدو حصه جدا کردیم: حصه یکم: ۱۹۰۵ -
۱۹۱۷ حصه دوم ۱۹۱۷ - ۱۹۲۵ یعنی تا امروز.

۱۲ آوغوست ۱۹۲۵ ص. ۶.

